

Turkish  
Journal of  
Shiite  
Studies

Şiilik Araştırmaları

ISSN: 2687-1882

Cilt / Volume: 1  
Sayı / Issue: 2  
Aralık / December 2019

کاربرد سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع در ایران (از قرن دوم تا دهم هجری)

*The Use of Numismatic in Shiism History Studies in Iran (from the second to the tenth century*

*AH)*

*Hicrî İkinci Asırdan Onuncu Asra Kadar İran'da Şiilik Tarihi Çalışmalarında Nümismatik*

*Kullanımı*

**Seyyed Masoud Shahmoradi**

*Dr., Assistant Professor, Islamic Sciences Department, Zanjan University of Medical Sciences*

*Zanjan, Iran*

[s.m.shahmoradi@gmail.com](mailto:s.m.shahmoradi@gmail.com)

<https://orcid.org/0000-0002-2080-7085>

**Makale Bilgisi/Article Information**

**Makale Türü/Article Type:** Araştırma Makalesi / Research Article

**Geliş Tarihi / Received:** 26.07.2019

**Kabul Tarihi / Accepted:** 13.09.2019

**Yayın Tarihi / Published:** 31.12.2019

**Cilt / Volume: 1 Sayı / Issue: 2 Sayfa / Pages:** 291-316

**Atıf/Cite as:** Shahmoradi, Seyyed Masoud. “کاربرد سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع در ایران (از قرن دوم تا دهم هجری)” (The Use of Numismatic in Shiism History Studies in Iran (from the second to the tenth century AH)”, *Turkish Journal of Shiite Studies* 1/2 (Aralık 2019): 291-316.

**İntihal:** Bu makale, *iThenticate* yazılımınca taranmıştır. İntihal tespit edilmemiştir.

**Plagiarism:** This article has been scanned by *iThenticate*. No plagiarism detected.

**Web:** <https://dergipark.org.tr/tr/pub/siader> | **mailto:** [turkishshiitestudies@gmail.com](mailto:turkishshiitestudies@gmail.com)

### کاربرد سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع در ایران (از قرن دوم تا دهم هجری)

چکیده

متون سکه ها، بعنوان یکی از مهم ترین اسناد تاریخی، نقش بسزائی در بارشناسی تحولات مذهبی در طول تاریخ دارند. این مقاله درصدد بررسی کاربردهای سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع در ایران (از قرن دوم تا دهم هجری) است. براین مبنا، نقش یافته های سکه شناسی در «طرح نظرات جدید در تاریخ تشیع»، «تبیین سیاستهای مذهبی حکومتهای شیعی»، «تعیین نوع مذهب شیعی حکومتگران شیعه»، «آشکارکردن تحول مذهبی (از تسنن به تشیع)» و «تعیین زمان گرایش حکومتگران به تشیع» بررسی و برای هر مورد مثالهایی ذکر شده است. هدف پژوهش، که با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و کاربرد مطالعات کتابخانه ای انجام شده، نشان دادن نقش سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع در ایران است. نتایج تحقیق نشان می دهد استفاده از یافته های سکه شناسی می تواند نقش موثری در مطالعات تاریخ تشیع ایفاء کند.

کلیدواژگان: سکه شناسی، تحولات مذهبی، تشیع، ایران

### The Use of Numismatic in Shiism History Studies in Iran (from the second to the tenth century AH)

#### Abstract

Numismatic, as one of the most important historical documents, plays an important role in understanding the religious developments in history. This article focuses on the study of Numismatic in the Historical Studies of Shiism in Iran (from 2th to 10th century AH). Based on this, the role of Numismatic in "Introducing new comments in Shiite history", "Explaining the religious policies of the Shiite governments", "Determining the religious tendencies of Shiite rulers", "Revealing religious changes (from Sunnism to Shiism)" and "Determining the time of the rulers who have tendency for Shiism" has been investigated and some examples have been provided for each. The aim of this study, which is conducted by using descriptive-analytical method, is to reveal the role of Numismatics in Shiite history studies in Iran. The results of this research show that Numismatic has an effective role in Shiite history Studies.

**Keywords:** Numismatic, Religious developments, Shiism, Iran

### İran'da Şiilik Tarihi Çalışmalarında Nümizmatik Kullanımı (Hicri İkinci Asırdan Onuncu Asra Kadar)

#### Öz

Nümizmatik, en önemli tarihi belgelerden biri olarak, tarihteki dini gelişmeleri anlamada önemli bir rol oynamaktadır. Bu makale İran'da Şiiliğe yönelik tarihsel çalışmalarda Nümizmatik'in incelenmesine odaklanmaktadır (Hicri 2. yüzyıldan 10. yüzyıla). Bu bağlamda, makalede Numizmatik'in etkisi "Şii tarihinde yeni

yorumların başlatılması", "Şii hükümetlerinin dini politikalarının açıklanması", "Şii yöneticilerinin dini eğilimlerinin belirlenmesi", "Dini değişimlerin ortaya çıkarılması (Sünnilikten Şiiliğe)" ve "Şiilik eğilimi olan yöneticilerin zamanının belirlenmesi" konuları çerçevesinde ele alınmış ve her konuda bazı örnekler verilmiştir. Betimsel-analitik yöntem kullanılarak yapılan bu araştırmanın amacı, İran'daki Şii tarih çalışmalarında Nümizmatik'in rolünü ortaya koymaktır. Bu araştırmanın sonuçları Nümizmatik'in Şii tarih araştırmalarında etkili bir rol oynadığını göstermektedir.

#### مقدمه

متون حک شده برسکه ها یکی از مهمترین یاوران پژوهشگران در بازشناسی وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوران های مختلف تاریخی هستند. اهمیت این نکته هنگامی بیشتر آشکار می شود که بدانیم امکان تحریف و قلب حقایق تاریخی درسکه شناسی کمتر میسر است زیرا یکی از امتیازات مهم سکه ها در مقایسه با دیگر اشیاء و یافته های باستانی، صحیح و سالم ماندن آنهاست. به علاوه در دوره هر فرمانروا تعداد بسیاری سکه های مشابه ضرب شده که بالطبع نمونه هایی از آنها از دستبرد زمانه محفوظ مانده و به دست ما رسیده اند. بنابراین سکه ها می توانند به عنوان یکی از بهترین سندهای تاریخی نقش موثری در پژوهشهای تاریخی ایفاء کنند.

سکه شناسی در بازشناسی تحولات مذهبی در دورانهای گوناگون نیز نقش بسزایی دارد. برخی متون حک شده برسکه ها اطلاعات روشن و باارزشی از اعتقادات دینی و مذهبی دوران های مختلف را نشان داده و تاریخ و چگونگی بسیاری از تحولات مذهبی را روشن و آشکار می سازند. متون حک شده برسکه های دوران اسلامی تنها محدود به شعارهای دینی، نظیر عبارات «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله» و آیات قرآن، که بطور عام اسلام و مسلمانان را از دیگر ادیان متمایز می کرد، نبود. در واقع با ظهور مذاهب مختلف اسلامی و به دنبال آن شکل گیری حکومتیهای مختلف در نواحی گوناگون جهان اسلام که به هر یک از این مذاهب وابستگی و دلبستگی داشتند، شعارهای حک شده برسکه های این دولتها معطوف به بیان این وابستگی های مذهبی و فرقه ای نیز گردید. اعتقادات و مفاهیم شیعی نیز بر روی برخی از سکه های ایران در دوران اسلامی بازتاب یافته اند، بنابراین می توان از «دانش سکه شناسی» در بررسی تحولات تاریخ تشیع نیز بهره های بسیار برد. ذکر کلام «علی ولی الله» و نام ائمه فرق مختلف شیعی (دوازده امامی، زیدیه و اسماعیلیه) و همچنین برخی شعارهای مذهبی-سیاسی و آیات قرآن (که تفسیر آنها معطوف به تشیع و شیعیان و اهل بیت (ع) شده است) بر روی سکه، بر تشیع صاحب سکه یا گرایش شیعی او دلالت می نماید و در مواردی نیز نشانگر توجه حاکمان غیر شیعه به مردمان شیعه سرزمینهای آنان است.

مسئله پژوهش حاضر بیان کاربرد های دانش سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع در ایران (از قرن دوم تا دهم هجری) است. بر این مبنا ابتدا برخی کاربردهای سکه شناسی در پژوهشهای تاریخ تشیع در ایران بیان شده و برای هر مورد نمونه یا نمونه هایی ذکر خواهد شد. «طرح نظرات جدید در مورد برخی تحولات تاریخ تشیع» از جمله این کاربردهاست؛ برای توضیح این مورد همسانی شعارهای سکه های عبدالله بن معاویه و ابومسلم خراسانی (که نشانگر اقتباس هوشمندانه ابومسلم از شعائر سکه های عبدالله بن معاویه است)، سکه های ولایتعهدی امام رضا (ع) (که تاریخ ضرب برخی از آنها می تواند مبنای نظراتی جدید در مورد زندگانی امام رضا (ع) گردد) و همچنین برخی سکه های ترکمانان آق قویونلو (که شعائر شیعی آنها نمایانگر تمایلات شیعی آنان است) مورد بررسی قرار گرفته اند. «تبیین سیاستهای مذهبی حکومتیهای شیعی» از دیگر کاربردهای سکه شناسی در تاریخ تشیع

است؛ برای توضیح این مورد نیز سکه های آل بویه و سربداران بررسی شده اند. یکی دیگر از کاربردهای سکه شناسی در تاریخ تشیع «تعیین نوع مذهب شیعی حکومتگران شیعه» است؛ برای تبیین این گزینه نیز سکه های آل مسافر (که نشانگر اعتقاد آنان به تشیع اسماعیلی قرمطی است) بررسی شده اند. سکه شناسی در «آشکار کردن تحول مذهبی در ایران (از تسنن به تشیع)» نیز کاربرد دارد که نمونه مشخص آن برخی سکه های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو (که بطور مشترک دارای شعائر اهل سنت و تشیع هستند) است. از دیگر کاربردهای سکه شناسی در تاریخ تشیع «تعیین زمان گرایش حکومتگران به تشیع» است. برای توضیح این کاربرد نیز سکه های باوندیان بررسی شده اند. هدف این تحقیق، که با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با کاربرد مطالعات کتابخانه ای انجام شده، نشان دادن این نکته است که یافته های سکه شناسی می تواند نقشی مهم و تأثیرگذار در مطالعات تاریخ تشیع در ایران داشته باشند.

در رابطه با پیشینه پژوهش بایست گفت تاکنون در تحقیق مستقلی کاربرد سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع در ایران قرن دوم تا دهم هجری مورد بررسی قرار نگرفته و فقط در برخی پژوهشها به جنبه هایی از این امر پرداخته شده است. در مقاله «جایگاه و اهمیت سکه در دعوت عباسی» (خضری و احمدوند فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، ش 77) بر اساس همسانی شعارهای سکه های ابومسلم خراسانی و عبدالله بن معاویه این نتیجه گرفته شده که ابومسلم با اقتباس شعارهای سکه های عبدالله، میراث او را صاحب گشته و نسبت به گسترش دعوت عباسی در جبال اقدام نموده است. در مقاله «کاربرد سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع؛ مطالعه نمونه های سکه های ولایتعهدی امام رضا (ع)» (شاهمرادی و منتظرالقائم، شیعه پژوهی، ش 9) سکه های ولایتعهدی امام رضا (ع) بررسی شده و نکات تاریخی مستخرج از آنها بیان شده اند. در مقالات «سکه یا سند تاریخی مهم» (کسروی، ارمغان، شماره چهارم)، «نخستین داعیان اسماعیلی در شمال غربی ایران و خراسان و ماوراء النهر» (شترن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره 53) و کتاب «تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تشیع در آذربایجان» (شاهمرادی و منتظرالقائم، 1395) نوع مذهب شیعی آل مسافر بر مبنای سکه شناسی مشخص شده است. در کتاب «تاریخ تشیع در ایران از آغاز تاملوع دولت صفوی (جعفریان، 1388)» و «خروج و عروج سربداران (ماسون اسمیت، 1361) سیاستهای مذهبی سربداران از منظر سکه شناسی مورد توجه قرار گرفته است.

### کاربرد یافته های سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع در ایران

یافته های سکه شناسی، همانگونه که بیان شد، نقشی مهم در روشن کردن ابعاد مختلف تاریخ تشیع در ایران دارند؛ می توان این یافته ها را به مواردی چند تقسیم و برای هر یک نمونه هائی ذکر نمود.

#### 1. طرح نظرات جدید در مورد تحولات تاریخ تشیع

با استفاده از یافته های دانش سکه شناسی (بررسی متون حک شده بر بعضی سکه ها) می توان نظرات جدیدی را در مورد برخی تحولات تاریخ تشیع مطرح کرد. چند مورد از بهترین نمونه ها برای این امر، بررسی سکه های عبدالله بن معاویه و ابومسلم خراسانی، سکه های ولایتعهدی امام رضا (ع) و همچنین برخی سکه های ترکمانان آق قویونلو است.

#### الف) شعارهای سکه های عبدالله بن معاویه و ابومسلم خراسانی

نهضت عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر آخرین حرکت منسوب به تشیع در برابر بنی امیه است.<sup>1</sup> او حرکت خود را از عراق شروع نمود و سپس بر برخی نواحی غربی و مرکزی ایران مسلط گردید و در اصفهان

<sup>1</sup>. طقوش، دولت امویان، ص 220.

مقیم شد. با این حال جنبش عبدالله در سال 129ق. از امویان شکست خورد؛ او که خبر نهضت عباسیان و ابومسلم را با شعار «الرضا من آل محمد» شنیده بود، تصور می کرد می تواند خود را به عنوان مصداق این شعار مذهبی-سیاسی معرفی کند و امید داشت ابومسلم او را یاری رساند<sup>3</sup>، بنابراین به خراسان رفت. اما ابومسلم که او را رقیبی خطرناک برای خود می دانست دستور قتل او را صادر کرد.<sup>4</sup> در رابطه با نقش ابومسلم خراسانی در دعوت عباسی نیز بایست گفت در نتیجه تلاشهای سیاسی و نظامی او کار عباسیان در خراسان استوار شد. می توان گفت جنبش عبدالله بن معاویه، که در اواخر عصر اموی و همزمان با فعالیت های آشکار عباسیان برای بدست گرفتن حاکمیت سیاسی آشکار شد، جدی ترین و مهم ترین رقیب سیاسی و ایدئولوژیک جنبش عباسیان محسوب می شد؛ با این حال راه را برای فعالیت های مخالفان خراسانی امویان، به رهبری ابومسلم خراسانی، نیز هموار ساخت.

نکته بسیار مهم درباره سکه های ضرب شده توسط عبدالله بن معاویه و ابومسلم خراسانی، که می توان بر اساس آن نظری جدید درباره رابطه این دو جنبش مطرح نمود، اینکه شعارهای حک شده بر روی سکه های ابومسلم خراسانی با شعارهای سکه های عبدالله بن معاویه، که چندی در جبال رواج داشت، کاملاً مشابه است. بطور کلی بر روی سکه های در هم عبدالله بن معاویه عبارات «لا اله الا الله/ وحده لا شریک له/ قُلْ لَا اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْوُدِّ» (بخشی از آیه 23 سوره شوری) / بسم الله/ محل و تاریخ ضرب «حک شده و در پشت اینگونه سکه ها نیز بخش اعظم سوره اخلاص به همراه بخشی از آیه 33 سوره توبه آمده است.<sup>5</sup> متن در هم های ضرب شده توسط ابومسلم خراسانی نیز دقیقاً اینگونه است.<sup>6</sup> بنابراین، همسانی کاملی میان شعائر سکه های ابومسلم خراسانی و عبدالله بن معاویه وجود دارد. در رابطه با تشابه شعائر سکه های این دو جریان می توان این نظر را مطرح نمود که پس از قتل ابن معاویه، ابومسلم می دانست یاران او همچنان در جبال پراکنده اند و انگیزه های ایشان در همراهی با علویان همچنان پابرجاست. اینان می توانستند نیروی مهم و پشتوانه ای قوی برای دعوت عباسی در مناطق جبال باشند به ویژه که کار دعوت عباسی بیشتر در خراسان و شرق تمرکز یافته و در دیگر مناطق ایران کمتر توفیق یافته بود. از این رو، ابومسلم باید برای جذب این نیروها و گسترش دعوت به غرب اقدام می کرد. ضرب سکه با شعائر مشابه و همسان با شعارهای سکه های عبدالله بن معاویه، که چندی در جبال رواج داشت، می توانست ضرورت های تبلیغی و حکومتی خراسان و مشرق را پاسخ گوید؛ چنانچه انتخاب هوشمندانه نقوش سکه ابن معاویه چنین وانمود می ساخت که گویی قیام ابن معاویه دقیقاً در مسیر نهضت عباسیان بوده و اینک قیام و حکومت عباسی می کوشد کار ناتمام امثال عبدالله و دیگر قیام کنندگان ضد اموی را تکمیل کرده و تداوم بخشد. جالب آنکه با وجود دستگیری و قتل ابن معاویه به دست ابومسلم خراسانی هنوز برخی از سکه شناسان معاصر تحت تأثیر این اقدام هوشمندانه ابومسلم قرار گرفته و تمام سکه های ضرب شده از سال 127 تا 132ق. (و 136ق.) را متعلق به ابومسلم دانسته اند و چندان که باید از کوشش های ابن معاویه در مبارزه با امویان، تشکیل حکومت و بویژه ضرب سکه بحثی نمی کنند. به عبارت دیگر، ابومسلم برای پیشبرد کار خویش، نقش سکه های عبدالله بن معاویه را اقتباس کرده و در سکه های خود به کار برد و موفق شد دعوت خویش را جانشین قیام و توفیقات عبدالله در جبال معرفی کند. می توان گفت عباسیان، که از تمامی ابزارهای در دسترس برای پیروزی بهره می بردند، به نمایندگی ابومسلم داعی بزرگ خراسان، با درک درست از دیگر قیامهای موازی علویان (چون قیام عبدالله بن معاویه) و اقداماتشان، ابتدا اینان را در نبرد قدرت شکست داده، آنگاه از دستاوردهای مثبت آنان نهایت بهره را برده و میراث دار آنان شدند؛ تا آنجا که برخی نواحی چون جبال ایران که کمتر در معرض تبلیغات عباسی قرار گرفته بود، پیش

2. ر.ک: طبری، تاریخ طبری، ج 10، ص 4443-4450 و ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص 152-157؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج 14، ص 240-243 و 291-292.

3. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص 157.

4. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج 14، ص 291-294.

5. رضائی باغ بیدی، سکه های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 123.

6. همان، ص 127-128؛ سرفراز و آورزمانی، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، ص 158.

از آنکه به مدد سپاهیان پیروز عباسی به تصرف درآمد، با ضرب سکه هائی مشابه با سکه های ابن معاویه و به کاربردن شعارهای تبلیغاتی شبیه شعارهای او، برای پذیرش آسان تر دعوت و حکومت عباسی آماده شده بود.<sup>7</sup>



سکه ابو مسلم خراسانی/درهم/ضرب مرو، 130ق.



سکه عبدالله بن معاویه/درهم/ضرب ماهی، 127ق.

متن روی سکه ها: لا اله الا الله، وحده لا شریک له/بخشی از آیه 23 سوره شوری/بسم الله/مکان و تاریخ ضرب/متن پشت سکه: سوره اخلاص/بخشی از آیه 33 سوره توبه. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 124 و 127)

### ب) تاریخ ضرب سکه های ولایتعهدی امام رضا (ع)

علی بن موسی الرضا (ع) پیشوای هشتم شیعه امامیه است. مهم ترین فصل تاریخی زندگی امام رضا (ع) جریان ولایتعهدی آن حضرت است. در سال دویست هجری، خلیفه عباسی مأمون (198-218ق.) علی بن موسی الرضا (ع) را از مدینه به خراسان منتقل کرده و ولایتعهدی بعد از خود را به او سپرد اما در نهایت به سبب ناکامی در اجرای سیاستهای خویش، امام رضا (ع) را به شهادت رساند. در تاریخ شهادت آن امام اختلاف نظر فراوانی وجود دارد؛ برخی سال 202ق.<sup>8</sup>، بسیاری سال 203ق.<sup>9</sup>، و بعضی نیز سال 206ق.<sup>10</sup> را به عنوان سال رحلت امام رضا (ع) ذکر کرده اند.

از موضوعات جالب توجه در دوران ولایتعهدی امام رضا (ع)، ضرب سکه هائی با عنوان ولایتعهدی ایشان است. این سکه ها با نام مأمون و با ذکر ولایتعهدی امام رضا (ع) ضرب شده و از لحاظ سکه شناسی بسیار جالب توجه و پرازش هستند. سکه های امام رضا (ع) ضرب شهرهای مرو، سمرقند، فارس، اصفهان، محمدیه (ری) و نیشابور است. نکته بسیار مهم در مورد سکه های ولایتعهدی امام رضا (ع) این است که این سکه ها در سال های 201 تا 205ق.<sup>11</sup> و حتی به نوشته برخی تا سال 207ق.<sup>12</sup> ضرب شده اند. با توجه به اینکه بیشتر منابع سال شهادت امام رضا (ع) را در سال 203 هجری ذکر کرده اند، ادامه ضرب سکه های ولایتعهدی ایشان در بعد از تاریخ اشاره شده، سنوالاتی را ایجاد می نماید. با اینکه نایبست از احتمالاتی نظیر استفاده از قالب و سرسکه های اولیه سکه های

7. ر.ک: خضری و احمدوند، «جایگاه و اهمیت سکه در دعوت عباسی»، ص 58-60.

8. ر.ک: امین عاملی، سیره معصومان، ج 6، ص 141؛ جعفریان، حیات فکری-سیاسی امامان شیعه، ص 517.

9. ر.ک: طبری، تاریخ طبری، ج 13، ص 5675؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 471؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج 2، ص 442؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج 16، ص 293؛ طبرسی، زندگانی چهارده معصوم (ع)، ص 457؛ امین عاملی، سیره معصومان، ج 6، ص 141؛ جعفریان، حیات فکری-سیاسی امامان شیعه، ص 517.

10. ر.ک: امین عاملی، سیره معصومان، ج 6، ص 141.

11. ر.ک: رضائی باغ بیدی، سکه های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 139؛ علاءالدینی، سکه های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان، ص 19-26؛ ملکزاده بیانی، «سکه های حضرت ثامن الائمه آلا فی التحیه و ثنا»، ص 46-53؛ سرفراز و آورزمانی، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، ص 173-178.

12. سهیلی خوانساری، «سکه ولایتعهدی امام رضا (ع)»، ص 79.

ولایتعهدی امام رضا(ع) (در سالهای قبل از شهادت ایشان؛ قبل از 203ق.) در ادوار بعدی (در سالهای پس از شهادت امام رضا(ع)) غافل شد؛ اما می توان نظرات دیگری را نیز جهت وقوع این امر بیان نمود:

1. شاید این اقدام بادستور مأمون بوده زیرا او می خواست همچنان علاقه ی خود را به امام رضا(ع) نشان دهد و ضمن مبرا کردن خود از اتهام قتل امام، بدین طریق دل شیعیان و دوستان اهل بیت(ع) را نیز به دست آورد و از قیامهای آنان نیز جلوگیری کند. باتوجه به اینکه اکثر منابع تاریخی از ابراز حزن و ناراحتی مأمون پس از قتل امام خیر داده اند<sup>13</sup>، این امر می تواند دلیل موجهی به نظر رسد.
  2. با وجود اینکه اکثر منابع شهادت امام رضا(ع) را در سال 203ق. ذکر کرده اند، با این حال برخی منابع دیگر از شهادت امام در سال 206ق.<sup>14</sup> نیز یاد کرده اند. این امر نیز می تواند دلیل موجهی برای ادامه ضرب سکه های ولایتعهدی امام رضا(ع) در تواریخ بعدی (بعد از تاریخ مشهور شهادت امام؛ 203ق.) باشد. به عبارت دیگر، می توان ادامه ضرب سکه های ولایتعهدی امام رضا(ع) در سالهای پس از 203ق. را به عنوان مویدی جهت آن دسته از روایات تلقی نمود که تاریخ شهادت امام را در سالهای بعد از 203ق. ذکر کرده اند. در یکی از منابع نیز ضمن معرفی یکی از سکه های درهم ولایتعهدی امام رضا(ع) که ضرب سال 204ق. است، چنین آمده که کتابت این درهم، اگر درست باشد، تأیید می کند که وفات امام رضا(ع) در سال 206ق. بوده و بدین ترتیب اقوالی که وفات آن حضرت را در سال 203ق. یا کمتر دانسته اند، تضعیف می شوند.<sup>15</sup>
  3. نظر دیگری که می توان در مورد دلیل ادامه ضرب سکه های ولایتعهدی امام رضا(ع) پس از تاریخ مشهور شهادت ایشان (203ق.) در نظر گرفت این است که توجه و علاقمندی مردم، بویژه شیعیان و دوستان خانان اهل بیت(ع)، نسبت به امام و تأثر آنان از شهادت ایشان، آنان را برانگیخت که علی رغم قدرت دستگاه خلافت و عمال آنان، در سالهای بعد سکه هایی ضرب نمایند که محتملاً به مناسبت گرامیداشت امام و فقط به منظور تبرک به نام آن حضرت ضرب شده و ضرب آنها به فرمان مأمون نبوده است.
  4. همچنین می توان ادامه ضرب سکه های ولایتعهدی امام رضا(ع) پس از تاریخ شهادت نقل شده توسط بیشتر منابع (203ق.) را چنین تفسیر نمود که شاید گروهی از شیعیان پس از وفات آن حضرت با عقیده ای راسخ درگذشت آن حضرت را صحیح ندانسته و معتقد بودند که ایشان در قید حیات اند و سکه باید به نام آن حضرت زده شود، از این روی بعد از آن حضرت همچنان سکه به نام ایشان زده اند. بر این مبنای، برخی احتمال داده اند شاید بعد از سال 207ق. هم سکه به نام امام رضا(ع) ضرب شده ولی هنوز بدست ما نرسیده است.<sup>16</sup> در واقع این نظر مبتنی بر ادامه ضرب این سکه ها توسط گروهی است که رحلت امام رضا(ع) را قبول نداشتند و در حقیقت بر آن حضرت وقف کرده بودند. با این حال باید متذکر شد بر اساس گزارش منابع فرقه شناسی گروه خاصی بر امام رضا(ع) وقف نکرده اند.<sup>17</sup>
- در رابطه با دو احتمال آخر بایست یادآور شد باتوجه به اینکه ضرب سکه همواره امری حاکمیتی و مربوط به دولت ها بوده و همچنین با وجود قدرت حکومت عباسی در این زمان، احتمال انجام چنین اقدامی از سوی شیعیان و دوستان اهل بیت (ع) ضعیف به نظر می رسد، زیرا این امر می توانسته به نوعی رویارویی با حکومت تعبیر شده و سبب برخورد خشن حاکمیت با آنها گردد. بعلاوه امکانات فنی لازم جهت ضرب سکه نیز اکثراً در اختیار

<sup>13</sup> . ر.ک: یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج2، ص471؛ ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج16، ص294؛ طبرسی، زندگانی چهارده معصوم(ع)، ص456؛ سرفراز و اورزمانی، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، ص173.

<sup>14</sup> . ر.ک: امین عاملی، سیره معصومان، ج6، ص141.

<sup>15</sup> . ر.ک: همان، ص171-172.

<sup>16</sup> . سهیلی خوانساری، «سکه ولایتعهدی امام رضا(ع)»، ص79.

<sup>17</sup> . ر.ک: صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج2، ص299.

حکومتها قرار داشته و این گروه از شیعیان نیز برای عملی کردن خواست خود از امکانات فنی لازم برخوردار نبوده اند.



سکه ولایتعهدی امام رضا (ع)/محمدیه، 204ق. (سکه های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان، ص 26)



سکه ولایتعهدی امام رضا (ع)/اصفهان، 205ق. (سکه های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 142)

متن روی سکه ها: لا اله الا الله/وحده لا شریک له/المشرق/بسم الله/ضرب هذا الدرهم/مکان و تاریخ ضرب/بخشی از آیات 4 و 5 روم/متن پشت سکه: الله/محمد رسول الله/المأمون خلیفه الله/مما امر به الامیر الرضا ولی عهد المسلمین (علی بن موسی بن علی بن ابی طالب؛ در سکه ضرب محمدیه)/ذوالریاستین/آیه 33 توبه.

### ج) شعائر شیعی سکه های ترکمانان آق قویونلو

آق قویونلوها اتحادیه قبایل ترکمانی بودند که پس از دوره مغول در منطقه دیاربکر پدید آمده و تا حدود سال 908ق. دوام آوردند. اوزون حسن، مشهورترین فرمانروای ترکمانان آق قویونلو، بر شرق آسیای صغیر، ایران (به استثنای خراسان)، ارمنستان و بین النهرین تسلط داشت.<sup>18</sup> پس از اوزون حسن حکومت آق قویونلوها به تدریج راه سقوط را طی نمود تا اینکه در اوایل قرن دهم هجری توسط صفویان برافتاد.

در مورد گرایش ها و علایق دینی ترکمانان آق قویونلو باید گفت که بسیاری از مورخان و محققان متقدم و متأخر آنها را سنی مذهب می دانند. فضل الله بن روزبهان خنجی، از عالمان سنی مذهب قرن نهم و دهم هجری، به صراحت از تعلق خاطر حکام آق قویونلو به مذهب تسنن یاد می کند.<sup>19</sup> بسیاری از محققان معاصر نیز آق قویونلوها را سنی مسلک دانسته اند.<sup>20</sup> با این حال بابررسی سکه های ترکمانان آق قویونلو می توان نظریه جدیدی در مورد مذهب آنان مطرح نمود. سکه های آق قویونلوها را از جنبه شعائر مذهبی حک شده بر روی آنها می توان به سه دسته

<sup>18</sup>. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج 4، ص 429؛ میرجعفری، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، ص 291.

<sup>19</sup>. ر.ک: خنجی، تاریخ عالم آرای امینی، ص 26 و 28.

<sup>20</sup>. ر.ک: میرجعفری، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، ص 283 و 328؛ رویمر، ایران در راه عصر جدید، ص 248؛ دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص 531.



تقسیم نمود؛ نوع اول، سکه های دارای ضابطه اهل سنت (نام خلفای راشدین) آنان است. برخی دیگر از سکه های آنان دارای شعائر شیعی است؛ از جمله در برخی سکه های اوزون حسن، یعقوب، رستم، مراد و الوند عبارت «علی ولی الله» و نام ائمه اثنی عشر (ع) دیده می شود.<sup>21</sup> در گونه سوم از سکه های آق قویونلوها، از جمله در برخی سکه های اوزون حسن، رستم و الوند، شعائر اهل سنت (نام خلفا) و شعائر تشیع (عبارت «علی ولی الله» و نام ائمه (ع))، به گونه ای مشترک بر روی سکه ها حک شده است.<sup>22</sup>

نکته مهم اینکه برخی اعتقاد مسلط مبنی بر اینکه آق قویونلوها پیرو مذهب تسنن به شمار می رفته اند را مورد تردید قرار داده و این احتمال را مطرح ساخته اند که ممکن است سنی دانستن آق قویونلوها در نتیجه ضعف معرفتی در تشخیص ماهیت و گرایش های آق قویونلوها مطرح شده و بر اثر اتکاء به طبقه بندی های نویسندگان شرقی و بخصوص شیعه شکل پذیرفته است. مطابق این نظر سنی نامیدن آق قویونلوها، که در مرحله زوال حکومتشان مکرر با صفویه جنگیدند، به خصوص وقتی قابل تردید است که اگر مورخان شیعی دوران بعد این نسبت را به آنها داده باشند. بنابراین حتی در مورد گرایش اوزون حسن به مذهب اهل سنت نیز می توان تردید نمود.<sup>23</sup> به نظر می رسد می توان از مدارک سکه شناسی جهت تأیید نظر این گروه از محققان استفاده نمود؛ ترابی طباطبایی معتقد است مذهب آق قویونلو باشواهد و اسنادی که وجود دارد بیشتر مبین اعتقاد آنها به تشیع است تا به تسنن؛ از جمله این مدارک، وجود سکه هائی با سبک و شعار کامل شیعی از شاهان آق قویونلو (اوزون حسن، یعقوب، احمد، مراد، الوند و مخصوصاً رستم و ابوالکارم محمد) است.<sup>24</sup>



سکه اوزون حسن/نقره/ضرب ساری. (سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 48)



سکه اوزون حسن/سکه نقره، ضرب 875 ق. (سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 169)

<sup>21</sup> ر.ک: ترابی طباطبائی، سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 47، 48، 75، 100، 112، 116، 127، 118، 145، 150، 151، 169؛ شریعت زاده، سکه های ایران زمین: مجموعه سکه های موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، ص 251؛ سرفراز و آوزرمانی، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، ص 239.

<sup>22</sup> ر.ک: ترابی طباطبائی، سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 44، 47، 48، 50، 92، 151.

<sup>23</sup> ر.ک: رویمر، ایران در راه عصر جدید، ص 248.

<sup>24</sup> ترابی طباطبائی، سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 21.

متن روی سکه ها: نام حاکم آق قویونلو/متن پشت سکه ها: لا اله الا الله/محمد رسول الله/علي ولي الله/نام انمه اطهار اثني عشر(ع)(در سکه ضرب 875ق.)



سکه یعقوب آق قویونلو/نقره/متن روی سکه: السلطان العادل یعقوب بهادر خان خلد الله ملکه و سلطانہ/متن پشت سکه: لا اله الا الله/محمد رسول الله/علي ولي الله.(سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 75)



سکه رستم آق قویونلو/نقره/ضرب یزد/متن روی سکه: عدل سلطان رستم خان/سلطان الاعظم خلد الله ملکه/ضرب فی یزد/متن پشت سکه: نام انمه اطهار اثني عشر(ع).(سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 121)



سکه الوند آق قویونلو/نقره/متن روی سکه: سلطان الاعظم سلطان الوند بهادرخان.../متن پشت سکه: لا اله الا الله/محمد رسول الله/علي ولي الله.(سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 150)

## 2. تبیین سیاستهای مذهبی حکومتهای شیعی

از دیگر کاربردهای سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع، تبیین سیاستهای مذهبی حکومتهای شیعی از طریق بررسی متون مسکوکات آنان است. از مصادیق این امر سکه های آل بویه و سربداران است؛ با وجود اینکه این دو حکومت از مشهورترین حکومتهای شیعی ایران به شمار می آیند، بررسی شعائر حک شده بر سکه های این حکومتها تفسیری دیگرگون از سیاستهای مذهبی این دو حکومت ارائه می نمایند. این امر نشان می دهد سکه های حکومتگران از بهترین اسناد برای تبیین سیاستهای مذهبی آنان است.

## الف) سکه های آل بویه

آل بویه که از دیلم برخاسته بودند، کار خود را از تصرف اصفهان شروع کردند و اندکی بعد تمامی فارس، ناحیه جبال، کرمان و خوزستان را تصرف کردند. آنان در سال 334 ق. وارد بغداد شدند و بیش از یک قرن خلفای عباسی را زیر اقتدار خود گرفتند. با این حال پس از مدتی قلمرو وسیع آل بویه میان بویه‌پیمان تقسیم گشت و به سه شاخه جبال، عراق و فارس تجزیه شد تا اینکه در نهایت سرزمینهای تحت تسلط آنان به دست غزنویان و سلجوقیان افتاد. آل بویه به مذهب تشیع اعتقاد داشتند. ابن اثیر می نویسد: «دیالمه شیعه بودند و در اعتقاد خود غلو می کردند. اعتقاد آنان این بود که خلافت حق علویان است و عباسیان آن منصب را از کسانی که استحقاق آن را داشته اند، غصب کرده اند. معزالدوله حتی قصد داشت منصب خلافت را از عباسیان سلب و این مقام را به یکی از علویان واگذارد اما باتوصیه یکی از همراهان خود که خطرات این امر برای آل بویه را گوشزد کرد، از این امر منصرف شد».<sup>25</sup>

آل بویه از مشهورترین و مهم ترین حکومت‌های شیعی در ایران به شمار می آیند. با این حال بررسی متون حک شده بر سکه های آل بویه، جنبه ای از سیاست‌های مذهبی آنان را نشان می دهد که با اعتقادات مذهبی آنان تناسب چندانی ندارد. با وجود اینکه در یکی از منابع در بحث از تشیع آل بویه به سکه ای از آنان اشاره شده که روی آن عبارت «علي ولي الله» حک شده، با این حال در همین منبع نیز گفته شده که این سکه، سکه ای استثنایی است که به قول نویسنده ای که آن را معرفی کرده، مانند آن از رکن الدوله و دیگر امرای بویه یافت نشده است.<sup>26</sup> در منبعی دیگر نیز از «نمونه های نادری» از سکه های شیعی آل بویه با شعار «علي ولي الله» یاد شده که دارای نام رکن الدوله (ضرب فریم) و مجدالدوله (ضرب محمدیه) است.<sup>27</sup> در واقع سکه های آل بویه به سبک و تقلید سکه های عباسی ضرب شده اند و بر آنها نام خلیفه عباسی حک شده و در آنها اثری از گرایش‌های شیعی آل بویه دیده نمی شود که این امر نکته قابل توجهی است.<sup>28</sup> اهمیت این امر هنگامی بیشتر آشکار می شود که بدانیم امرای بویه در بازنمایی هویت ملی خویش (نظیر استفاده از سبک و القاب دوره ساسانی و خط پهلوی ساسانی) بر روی سکه هایشان هیچ تردیدی به خود راه نداده اند.<sup>29</sup> در حالی که در مورد هویت مذهبی آنان اینگونه نیست.

در مورد دلیل عدم بازنمایی هویت شیعی آل بویه بر سکه های آنان می توان گفت آل بویه با وجود اینکه شیعی بودند، در اعمال سیاست‌های مختلف خویش عملگرایانه و بسیار محتاطانه اقدام می کردند، تا جایی که خلافت عباسی را نیز حفظ کردند، زیرا ملاحظاتی عملی اتخاذ چنین سیاستی را ایجاب می کرد. در این دوران بخش اعظم نواحی ایران و عراق و همچنین سپاهیان ترک، بیشتر سنی بودند. بنابراین اصولاً آنها در برابر اکثریت سنی مناطق تحت سلطه خود نمی توانستند موضع صریحی داشته باشند. از دیگر سو، آل بویه به مرجعیت مذهبی خلیفه عباسی در جهان اسلام برای مشروعیت بخشیدن به قدرت خویش (به ویژه در برابر فرمانروایان سنی مذهب رقیب همچون سامانیان) نیاز داشتند. بنابراین آل بویه ناگزیر بودند که میان گرایش شیعی خویش و جایگاه و فشار اهل سنت موازنه ای دقیق برقرار سازند. در واقع مصالح سیاسی آل بویه بر عقاید مذهبی آنان غلبه داشته است. عدم بازنمایی اعتقادات شیعی آل بویه بر روی سکه های آنان را نیز می توان تابعی از عوامل ذکر شده به شمار آورده و بیان نمود شعائر حک شده بر سکه های آل بویه بازتاب دهنده اعتقادات مذهبی آل بویه نیست بلکه بازتاب دهنده سیاست‌های مذهبی آنان است که بر مبنای مصالح سیاسی آنان اتخاذ می شده است.

<sup>25</sup>. ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج 20، ص 169-170.

<sup>26</sup>. مجله میراث فرهنگی، ش 9، سال 1372، ص 78-79 به نقل از: جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، ص 380.

<sup>27</sup>. ر.ک: رمضان، النقود الاسلامیه و اهمیتها فی درسه التاریخ و الآثار و الحضاره الاسلامیه، ص 325.

<sup>28</sup>. ر.ک: سرفراز و آورزمانی، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، ص 196 و 197؛ معطوفی، سکه های طبرستان، گرگان و استرآباد، ص 156؛ رضائی باغ بیدی، سکه های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 507-540؛ رباح، تطور النقود الاسلامیه حتی نهاییه عهد الخلفه العباسیه، ص 263-265.

<sup>29</sup>. ر.ک: رضائی باغ بیدی، سکه های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 497؛ سرفراز و آورزمانی، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، ص 197؛ معطوفی، سکه های طبرستان، گرگان و استرآباد، ص 156؛ همچنین بنگرید به: وثیق، دنانیر، سیر دینار در تاریخ پولی ایران، ص 97؛ رمضان، النقود الاسلامیه و اهمیتها فی درسه التاریخ و الآثار و الحضاره الاسلامیه، ص 74.



سکه عمادالدوله علي بن بويه/درهم، ضرب شیراز، 324ق. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 508)



سکه عضدالدوله فناخسرو بن رکن الدوله/درهم، ضرب ارجان، 342ق. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 514)

متن روی سکه ها: لا اله الا الله/وحده لا شريك له/نام حاکم بويهی/بسم الله/مکان و تاریخ ضرب/بخشی از آیات 4و5 روم/متن پشت سکه: لله/محمد رسول الله/نام خلیفه عباسی/آیه 33 توبه.

### ب) سکه های سربداران

سربداران در دوره میان افول سلسله ایلخانی و برآمدن تیمور، بر ناحیه بیهقی یا سبزوار در خراسان حکومت داشتند. علی موید (766-783ق.) آخرین و بادوام ترین امیر سربداري است که تاحمله تیمور و فتح کامل خراسان توسط وی، رهبری این دولت را در اختیار داشت. سربداران از مشهورترین حکومت‌های شیعه ایران هستند. ابن بطوطه در سفرنامه خویش درباره آنها چنین گفته است: «این قوم (سربداران) جملگی مذهب رفض (تشیع) داشتند و سودای برانداختن ریشه تسنن از خراسان را در سر می‌پختند و می‌خواستند آن دیار را یکپارچه تابع کیش رافضی (شیعی) گردانند».<sup>30</sup> در قلمرو دولت سربداران مذهب شیعه امامیه رایج گشت و نام دوازده امام (ع) را در خطبه می‌آوردند.<sup>31</sup> از مهم ترین شواهد تشیع سربداران، سکه های برجای مانده از این دولت است. با اینکه در برخی منابع سکه شناسی بطور کلی از نقش شعائر شیعی بر اغلب سکه های سربداران<sup>32</sup> و حک اسامی ائمه اثني عشری (ع) بر سکه های آنان<sup>33</sup> یاد شده و یا گفته شده «بر سکه های سربداران عبارت «علي ولي الله» و نام ائمه اطهار (ع) منقور است که همه شکل، وزن و روال تقریباً مشابهی دارند»<sup>34</sup>، اما بایست گفت سکه های سربداران

<sup>30</sup> ابن بطوطه، رحله ابن بطوطه، ج 1، ص 464.

<sup>31</sup> بطروشفسکی، اسلام در ایران از هجرت تا پایان قرن نهم هجری، ص 378.

<sup>32</sup> سرفراز و آورزمانی، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، پانوشت ص 226.

<sup>33</sup> رمضان، النقود الاسلامیه و اهميتها في دراسة التاريخ و الآثار و الحضارة الاسلامیه، ص 330.

<sup>34</sup> وثیق، «تشیع در ایران به روایت سکه های تاریخی»، ص 94.

دارای پیچیدگی‌های خاصی است که بایست مورد توجه و نظر قرار گیرد. در واقع بررسی سکه‌های سربداران، به عنوان یک حکومت شیعی، سیاست‌های مذهبی این دولت را به خوبی تبیین می‌کند.

اگر به سکه‌های سربداران قبل از سال 759 ق. نظری بیفکنیم، در می‌یابیم که آنها دارای ضابطه اهل سنت هستند. تمام سکه‌های سال 759 ق.، به استثنای سه عدد از سکه‌های دامغان و یکی دیگر، دارای اسامی چهار خلیفه، یعنی ضابطه اهل سنت هستند. چهار عدد از سکه‌های استثنایی سال 759 ق. و تمام سکه‌های متأخر سربداران دارای ضابطه شیعی (عبارت «علی ولی الله» و اسامی دوازده امام (ع)) هستند. خواجه علی موید در سال 759 ق. به دامغان یورش برده و سکه‌های استثنایی شیعی آن سال، مربوط به این ماجرا می‌باشد. بعد از آن تاریخ تا سال 763 ق.، که خواجه علی موید بر سرکار آمده، شعائر شیعی بر سکه‌های سربداران مشاهده نمی‌شود تا آنکه از این سال باز این سکه‌ها رواج می‌یابد. این یافته‌ها در وهله اول نشانگر این نکته است که سیاست مذهبی دولت سربداران پیش از سال 759 ق. مبتنی بر نگرش اهل سنت بوده است و یا اینکه تا پیش از سال 759 ق. تشیعی برای دولت سربداران در کار نبوده و کار تشیع عمدتاً از دوران خواجه علی موید آغاز شده است. این نتیجه‌گیری دارای اهمیت است، زیرا منابع دیگر غیر از سکه‌شناسی اشاره‌ای جز اینکه سربداران از آغاز شیعی مذهب بوده‌اند، نکرده‌اند.<sup>35</sup> با وجود اینکه مسلم است خواجه علی موید مذهب تشیع را برای سربداران رسمی کرده<sup>36</sup> اما نمی‌توان ضرب سکه‌های دارای شعائر اهل سنت در دوران پیش از خواجه علی موید را نشانه اعتقاد سربداران این دوران به مذهب تسنن دانست بلکه بایست دلیل این امر را در سیاست‌های مذهبی دولت سربداران جستجو نمود. امکان دارد استفاده از ضابطه و شعائر اهل سنت بر روی برخی سکه‌های سربداران فقط نوعی اعمال سلیقه برای در نظر گرفتن مسئله امپراطوری ایلخانی (که با وجود فروپاشی همچنان منبعی مشروعیت بخش برای حکومت‌های آن دوران به شمار می‌آمد و همچنین بطور رسمی بر مدار مذهب اهل سنت بود) بوده باشد. لازم به ذکر است زوال دودمان هلاکو نباید به منزله سقوط قطعی فرومانروایی مغولان در ایران تعبیر شود، زیرا در ایران آن زمان هنوز افراد زیادی بودند که به تداوم حکومت مغولان اعتقاد داشتند.<sup>37</sup> در واقع دودمان‌های حکومتی این دوران برای کسب مشروعیت حکومت خود یا بر خویشاوندی بابرخی از فرمانروایان مغول تأکید می‌کردند و یا اینکه به منصبی که مغولان به آنان تفویض کرده بودند و یا به یک خان اسمی استناد می‌نمودند.<sup>38</sup>

همچنین می‌توان احتمال داد سربداران در مقطعی خاص درصدی بودند با ضرب سکه‌هایی با شعائر اهل سنت، از یک سیاست علنی شیعی پرهیز کنند تا پیروان سنی مذهب خود را در خراسان از اطراف خود پراکنده نسازند. در توضیح این مطلب بایست گفت همچنان که از گزارش مستوفی در نزهه القلوب در قرن هشتم پیداست، در این دوران به غیر از ناحیه بیهق و سبزوار که خاستگاه سربداران بود و مردمان آنجا شیعه اثنی عشری بودند، مردمان بیشتر مناطق خراسان بر مذهب اهل سنت بودند.<sup>39</sup> همچنین می‌توان گفت هنگامی که دولت مذهبی-سیاسی سربداران بنیان گشت، شدیداً توسط رقبای خارجی خویش، که همگی از اهل سنت بودند، تهدید می‌شد.<sup>40</sup> بنابراین، ضرورت سیاسی ایجاب می‌کرد که آنان از مجادله پرهیزند و در مقطعی عرف و عادت تسنن رسمی را دنبال کنند. می‌توان ضرب سکه‌های دارای شعائر اهل سنت در دوران پیش از علی موید را از مصادیق بارز این سیاست سربداران محسوب نمود.

<sup>35</sup> ر.ک: ماسون اسمیت، خروج و عروج سربداران، ص 83-85؛ جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، ص 780.

<sup>36</sup> ر.ک: جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، ص 781.

<sup>37</sup> رویمر، ایران در راه عصر جدید، ص 32؛ جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، ص 781.

<sup>38</sup> همان، ص 48.

<sup>39</sup> ر.ک: مستوفی، نزهه القلوب، ص 184، 185، 187 و 190؛ جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، ص 781.

<sup>40</sup> ر.ک: رویمر، ایران در راه عصر جدید، ص 48-68؛ جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، ص 781.



سکه علی موید/سکه نقره، ضرب سبزووار، 770ق. متن روی سکه: لا اله الا الله/الملك الحق المبين/محمد رسول الله/الصادق/الوعد/الامين/علي ولي الله/صلي الله عليهم/صلوات بر پیامبر (ص) وائمه اثني عشر (ع)/متن پشت سکه: آیه 26 آل عمران/ضرب سبزووار/سال ضرب (770ق.)/آیه 112 سوره توبه. (سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 15)

### 3. تعیین نوع مذهب شیعی حکومتگران شیعه

یکی از مهمترین کاربردهای دانش سکه شناسی در تاریخ تشیع، تعیین نوع مذهب شیعی حکومتگران شیعه است. نمونه ای مشخص برای این امر، سکه های دولت آل مسافر است. در این مورد متون حک شده بر برخی سکه های این سلسله به وضوح نوع مذهب شیعی آنان را مشخص می سازد.

خاندان حکومتگر آل مسافر (سلاریان یا کنگریان) از دیلم ظهور کردند و سپس مناطق شمال غربی ایران تا ارمنستان را تحت سلطه خویش درآوردند و در نهایت در خاستگاهشان، دیلم، از صحنه تاریخ حذف شدند. خاندان آل مسافر به دو شاخه تقسیم شده اند: شاخه آذربایجان که توسط مرزبان بن محمد ایجاد شد؛ و دیگری شاخه دیلم که وهسودان بن محمد سرسلسه آن محسوب می شود.<sup>41</sup> انقراض شاخه دیلم آل مسافر احتمالاً بدست اسماعیلیان الموت انجام یافته است. در رابطه با شاخه آذربایجان آل مسافر نیز بایست گفت شکوه و نیرومندی عمده آل مسافر در زمان مرزبان پسر محمد بن مسافر بوده و پس از مرگ او، آنان چندان شکوهی نداشتند و دیری نپائید که از میان رفتند.<sup>42</sup> سکه های آل مسافر از نظر شعائر مذهبی دو گونه هستند: سکه های دارای شعائر شیعی و سکه های فاقد شعائر شیعی. بر سکه های شیعی آل مسافر عبارات «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، «بسم الله/مکان و تاریخ ضرب» و اسمی «محمد، علی، الحسن، الحسين، علی، محمد، جعفر، اسماعیل، محمد» آمده و در پشت این سکه ها نیز عبارات «علی خلیفه الله»، «وهسودان بن محمد سیف آل محمد» و آیه 55 از سوره مائده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» حک شده است.<sup>43</sup> تفسیر و تحلیل اینگونه سکه های آل مسافر اطلاعات قابل توجهی در اختیار می گذارد؛ در وهله اول عبارت «علی خلیفه الله» و «سیف آل محمد» بر اینگونه سکه ها، عقاید شیعی آل مسافر را بطور کلی مشخص می کند. حک آیه 55 از سوره مائده بر روی این سکه ها نیز با هدف بیان مشروعیت اهل بیت (ع) در حاکمیت بر جامعه اسلامی و نفی مشروعیت خلافت عباسی انجام شده است.<sup>44</sup> نکات بیان شده جنبه شیعی به معنای عام داشتند. اما نکته سوم جنبه ای اختصاصی از عقاید شیعی آل مسافر را نمایان می سازد که خاص فرقه اسماعیلیه است؛ اسمی ذکر شده بر روی سکه های مسافریان (محمد، علی، الحسن، الحسين، علی، محمد، جعفر، اسماعیل، محمد) فهرست نام امامان به شیوه اسماعیلیان را دربر دارد. نامهای نخست این فهرست یعنی محمد، علی، حسن، حسین، علی (زین العابدین)، محمد (باقر) و جعفر (صادق)، ویژگی خاص اسماعیلی ندارند ولی دوناام آخر فهرست یعنی اسماعیل و محمد کاملاً صیغه اسماعیلی دارند، زیرا اسماعیل پسر امام صادق (ع) و محمد بن اسماعیل نوه آن حضرت در معتقدات

<sup>41</sup> ر.ک: بازورث، سلسله های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ص 292-293.

<sup>42</sup> کسروی، شهریاران گمنام، ص 55 و 56.

<sup>43</sup> ر.ک: رضائی باغ ببیدی، سکه های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 420؛ شترن، «نخستین داعیان اسماعیلی در شمال غربی ایران و خراسان و ماوراء النهر»، ص 51-52؛ ترابی طباطبائی، سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 14؛ ترابی طباطبائی، رسم الخط ایغوری و سیری در سکه شناسی، ص 70؛ کسروی، «سکه یا سند تاریخی مهم»، ص 226.

<sup>44</sup> برای تفسیر این آیه ر.ک: امامی، شأن نزول آیات قرآن، ص 184-186.



اسماعیلیه مقامی ارجمند دارند. نکته مهمتر اینکه حَك نام «محمد بن اسماعیل» بر این سکه ها و یاد نکردن از امام یا خلیفه فاطمی وقت، نشان می دهد که در حکومت مسافریان مذهب «اسماعیلیه قرمطی» رسمیت داشته است. به عبارت دیگر این امر نشان می دهد که آل مسافر (بویژه وهسودان و برادرش مرزبان) پیرو گونه قرمطی مذهب اسماعیلی بوده اند و به مهدویت محمد بن اسماعیل (و نه امامت خلیفه فاطمی وقت، معز) اعتقاد داشته اند. لازم به ذکر است تمایل و اعتقاد به مهدویت محمد بن اسماعیل (عقیده قرامطه) هنوز در نیمه قرن چهارم هجری، یعنی دوره ای که سکه های مورد بحث ما نیز از آن دوره است، به شدت رواج داشته است تاجائی که خلیفه یا امام فاطمی وقت، معز (341-365 ق.)، ناچار شد ردیه هایی علیه آن دسته از اسماعیلیان که از نظر سیاسی طرفدار فاطمیان بودند و ظاهراً خلیفه فاطمی را پیشوای سیاسی خود و خلیفه محمد بن اسماعیل می شمردند، نه امام موید من عند الله، منتشر سازد. می توان فرض کرد که وهسودان نیز پیرو معتقدات آن دسته بوده که معز علیه آنها ردیه صادر کرده است.<sup>45</sup>



سکه وهسودان بن محمد/ضرب 343 ق. (سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 14؛ رسم الخط ایغوری و سیری در سکه شناسی، ص 70)



سکه وهسودان بن محمد/درهم، ضرب جلال آباد، 343 ق. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 420)

متن روی سکه ها: لا اله الا الله/محمد رسول الله/بسم الله، مکان و تاریخ  
ضرب/محمد/علی/الحسن/الحسین/علی/محمد/جعفر/اسماعیل/محمد، متن پشت سکه ها: علی خلیفه الله/وهسودان بن محمد سیف آل  
محمد/آیه 55 مانده.

<sup>45</sup> شترن، «نخستین داعیان اسماعیلی در شمال غربی ایران و خراسان و ماوراء النهر»، ص 58؛ همچنین بنگرید به: کسروی، «سکه یا سند تاریخی مهم»، ص 227-228.

## 4. بازتاب تحوّل مذهبی در ایران (از تسنن به تشیع)

مطالعه متون حک شده بر سکه ها در آشکار کردن تبدل مذهبی در ایران بعد از حمله مغولان جایگاه برجسته ای دارد. در این دوران مذهب مردم ایران به تدریج از تسنن به سمت تشیع تغییر یافت؛ این تحول مذهبی بویژه در برخی سکه های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو بازتاب یافته است.

قراقویونلوها و آق قویونلوها گروهی از ترکمانان بودند که پس از حمله مغولان در غرب ایران و شرق آسیای صغیر ظاهر شدند. حکومت قراقویونلو در اواخر قرن هشتم هجری شکل گرفت؛ جهانشاه بن قریوسف (841-872 ق.) قدرتمندترین حاکم این سلسله به شمار می آید، با این حال دولت او توسط ترکمانان آق قویونلو منقرض گردید. همانگونه که پیش تر بیان شد، اوزون حسن نیز مشهورترین فرمانروای ترکمانان آق قویونلو است که پس از او حکومت آق قویونلو به تدریج راه سقوط را طی نمود تا اینکه توسط صفویان برافتاد.

سکه های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو را از نظر شعائر مذهبی حک شده بر روی آنها می توان به سه دسته تقسیم نمود: برخی از سکه های این ترکمانان دارای شعائر اهل سنت هستند؛ در برخی دیگر از سکه های آنان شعائر شیعی (کلام «علی ولی الله» و نام ائمه اثنی عشر (ع)) دیده می شود. دسته سوم از سکه های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو سکه هایی هستند که بطور مشترک دارای عناصری از شعائر اهل سنت (نام خلفا) و تشیع (عبارت «علی ولی الله» و نام ائمه (ع)) هستند. به عنوان مثال بر روی سکه ای از جهانشاه عبارت «علی ولی الله» و نام خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان، علی) بطور مشترک دیده می شود.<sup>46</sup> همچنین بر سکه ای از اسکندر قراقویونلو (823-841 ق.) نیز عبارت «علی ولی الله» و اسامی ابوبکر، عمر و عثمان و نیز نام دوازده امام (ع) حک شده است.<sup>47</sup> در برخی سکه های اوزون حسن، رستم و الونداق قویونلو نیز شعائر اهل سنت و تشیع، به گونه ای مشترک بر روی سکه ها حک شده است.<sup>48</sup> ذکر همزمان شعائر اهل سنت و شیعیان بر روی سکه ها امری است که سابقه قبلی نداشته و برای اولین بار در زمان ترکمانان رخ داده و به همین سبب رویمر از آن با عنوان امری «حیرت آور» یاد کرده است.<sup>49</sup>

می توان ضرب سکه هایی با شعائر اهل سنت و تشیع، به گونه ای مشترک، را از پیامدهای جریانی دانست که «تسنن دوازده امامی» نامیده شده است. در طی این روند، عناصر شیعی با مذهب اهل سنت تلفیق شده تا بدانجا که با التقاطی از تشیع- تسنن، بینش مذهبی توده مردم برای پذیرش رسمی تشیع اثنی عشری در دوران بعدی (صفویه) آماده گشته است. در حقیقت یکی از دلایل قطعی نفوذ تشیع در ایران، ظهور جریان تسنن دوازده امامی است که می توان اینگونه سکه ها را از مظاهر مهم این جریان محسوب نمود. بنابراین می توان گفت اینگونه از سکه ها، که بصورت توأمان دارای ضابطه تسنن و تشیع هستند، نشانگر روح مذهبی این دوران هستند.<sup>50</sup>

<sup>46</sup> ر.ک: ترابی طباطبائی، تاریخ تبریز به روایت سکه و ضمام، ص 140؛ ترابی طباطبائی، سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 18؛ وثیق، «تشیع در ایران به روایت سکه های تاریخی»، ص 95.

<sup>47</sup> ر.ک: ترابی طباطبائی، تاریخ تبریز به روایت سکه و ضمام، ص 129.

<sup>48</sup> ر.ک: ترابی طباطبائی، سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 44، 47، 48، 50، 92، 151.

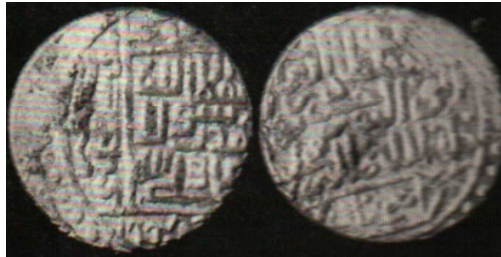
<sup>49</sup> ر.ک: رویمر، ایران در راه عصر جدید، ص 229؛ رویمر این اصطلاح را در مورد سکه های جهانشاه به کار برده است.

<sup>50</sup> جهت اطلاع بیشتر درباره «تسنن دوازده امامی» ر.ک: جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، ص 840-850؛ دفتر ی، 1376، ص 524-525.





سکه جهانشاه قراقویونلو/سکه نقره، ضرب فیروزکوه/متن روی سکه: فیروزکوه/السلطان العادل ابوالمظفر جهانشاه خلدالله ملکه/متن پشت سکه: لا اله الا الله/محمد رسول الله/علي ولي الله/ابوبکر الصديق/عمر الفاروق/عثمان ذي النورين. (سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 18)



سکه اوزون حسن/سکه نقره، ضرب اصفهان. (سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 47)



سکه اوزون حسن/سکه نقره، ضرب اصفهان، 873ق. (سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 47)



سکه اوزون حسن/سکه نقره، 873ق. (سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 48)

متن روی سکه ها: نام اوزون حسن/مکان و تاریخ ضرب/متن پشت سکه ها: لا اله الا الله/محمد رسول الله/علي ولي الله/نام ائمه اطهار اثنی عشر(ع) و خلفای راشدین.



سکه الوند آق قویونلو/سکه نقره، 896ق.م/متن روی سکه: السلطان العادل ابوالمظفر الوند بهادر خان خلد الله ملكه/896/متن پشت سکه: لا اله الا الله محمد رسول الله/عمر/عثمان/علي. (سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص 151)

## 5. تعیین زمان گرایش حکومتگران به تشیع

یکی دیگر از کاربردهای سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع، تعیین زمان گرایش خاندانهای حکومتگر و یا حاکمی خاص به مذهب تشیع است. با توجه به اینکه تاریخ دقیق گروش بعضی از حکومتگران (به ویژه حکومتگران محلی) به تشیع در منابع مکتوب تاریخی ذکر نشده، می توان از بررسی شعائر مذهبی سکه ها در این زمینه یاری جست. از مهمترین نمونه های این امر سکه های باوندیان است.

آل باوند سلسله ای از امیران محلی مازندران بودند که میان سال های 45 تا 750 ق. به نام «اسپهبدان» یا «شاهان مازندران» در سه شاخه به نامهای «گیوسی»، «اسپهبدی» و «کین خوازی» بر بخشهایی از مازندران و گیلان فرمان راندند. نخستین شاخه آل باوند گیوسیان بودند که از سال 45 تا حدود 390 ق. فرمان راندند. پس از وقفه ای هفتاد ساله در فرمانروایی آل باوند، سلسله «اسپهبدیه» تأسیس شد که تا سال 606 ق. برپا بود. از آن هنگام تا یورش مغولان، آل باوند به استقلال فرمان نمی راندند بلکه از سوی خوارزمشاهیان امارت داشتند. پس از يك فاصله چند ده ساله، باوندیان به صورت يك شاخه جانبی که «کین خوازی» خوانده می شد، از نو روی کار آمدند و به عنوان دست نشاندهگان ایلخانان مغول به حکومت پرداختند تا اینکه در سال 750 ق. به دست يك خاندان مازندرانی دیگر به کلی منقرض شدند.<sup>51</sup>

باوندیان، بویژه در دوران اسپهبدی، تمایلات شیعی بارزی از خود نشان داده اند. بازورث اشاره می کند که باوندیان در دوره نخست حکمرانی خویش، در طی دوره ای که دست نشانده بوییان بودند، به مذهب شیعه اثنی عشری گرویدند و از دوران اسپهبدیه صدر صد شیعه دوازده امامی بودند.<sup>52</sup> در منابع تاریخی روایات مختلفی از گرایشهای شیعی آل باوند ذکر شده است.<sup>53</sup> با این حال به سبب خصلت محلی این حکومتگران اطلاعات زیادی از تطور تشیع در بین آنان موجود نیست از جمله اینکه در منابع مکتوب تاریخی در مورد زمان و چگونگی گرایش آنان به

<sup>51</sup> ر.ک: سجادی، «آل باوند» در دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 585-597؛ بازورث، سلسله های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ص 316-319.

<sup>52</sup> بازورث، سلسله های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ص 318-319.

<sup>53</sup> ر.ک: چلونگر و شاهمرادی، دولتهای شیعی در تاریخ، ص 145-152.

تشیع اطلاعات چندانی ذکر نشده است. با وجود این امر می توان با استفاده از یافته های سکه شناسی نظری قابل توجه در مورد زمان و نحوه گرایش آل باوند به تشیع مطرح نمود.

بطور کلی سکه های باوندیان به سبک و تقلید سکه های عباسیان و آل بویه ضرب شده اند و بر آنها نام خلفای عباسی و امراي باوندي، و دربرخي موارد نام تعدادي از حاکمان بويهی و زياري و سلجوقي، حک شده است. همچنین شعارهایی نظیر «الله»، «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله» و بخشی از آیات 4 و 5 سوره روم و 33 سوره توبه بر سکه های آل باوند نقش بسته است. نکته بسیار مهم اینکه شعار شیعی «علي ولي الله» نیز بر بیشتر سکه های باوندیان حک شده که این امر عامل تمایز بخش سکه های آنان با دیگر سکه های این دوران به شمار می آید. با بررسی سکه های باوندیان می توان نظراتی در مورد تشیع آنان ارائه نمود، از جمله:

1. شعار شیعی «علي ولي الله» از زمان رستم بن شروین (353-370 ق.) بر سکه های باوندي پدیدار می شود و در دوران حاکمان بعدي باوندي نیز استمرار می یابد.<sup>54</sup> بنابراین، با توجه به اطلاعات منابع سکه شناسی، ظهور و رواج تشیع در بین آل باوند به اواخر دوران باوندیان کیوسی، در اواسط قرن چهارم هجری، بر می گردد.
2. از قارن پسر شهریار معروف به «ابوالمولک»، هشتمین حاکم باوندیان کیوسی (دح 254 ق.) به عنوان نخستین حاکم باوندي یاد شده که به اسلام گروید.<sup>55</sup> از سوی دیگر، همانگونه که بیان شد، شعار شیعی «علي ولي الله» از زمان رستم بن شروین (353-370 ق.) بر سکه های باوندي پدیدار می شود. بنابراین، می توان بر اساس مدارک سکه شناسی گفت باوندیان که در آغاز زرتشتی بودند، هنگامی که مسلمان شدند، در فاصله ای صد ساله (از اواسط قرن سوم تا اواسط قرن چهارم هجری) به تشیع گرویدند و تعلقات شیعی خود را بر سکه هایشان به نمایش گذاردند.



سکه رستم بن شروین/درهم، ضرب فریم، 365 ق./با نام خلیفه معزول مطیع لله/متن روی سکه: بامر رستم/لا اله الا الله/المطیع لله/رکن الدوله/بسم الله/مکان و تاریخ ضرب/بخشی از آیات 4 و 5 روم/متن پشت سکه: لله/محمد رسول الله/علي ولي الله/آیه 33 توبه. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 475)

<sup>54</sup> ر.ک: رضائی باغ بیدی، سکه های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 474-476؛ حقیقت (رفیع)، «پریم یا فریم، پایتخت کوهستانی آل قارن و آل باوند (2 و 1)»، ص 370.

<sup>55</sup> ر.ک: سجادی، «آل باوند» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 587.



سکه رستم بن شروین/درهم، ضرب فریم، 367ق.م/متن روی سکه: لا اله الا الله/محمد رسول الله/علي ولي الله/رستم بن شروین/آیه 33 توبه/متن پشت سکه: الطائع لله/عضدالدوله ابوشجاع/موید الدوله ابومنصور/بسم الله/مکان و تاریخ ضرب/بخشی از آیات 4 و 5 روم. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص 476)

### نتیجه

می توان از «دانش سکه شناسی» در بررسی تحولات تاریخ تشیع در ایران قرن دوم تا دهم هجری بهره های بسیار برد زیرا از مهم ترین ابعاد پژوهشی سکه ها، به عنوان یکی از مهم ترین اسناد تاریخی، شعارهای مذهبی حک شده بر روی آنهاست که همواره نشانگر گرایشها و سیاستهای مذهبی حکومتها و تمایلات و تعلقات مذهبی مردمان تحت تسلط آنان است. یافته های حاصل از سکه شناسی می تواند در دو بُعد به مطالعات تاریخ تشیع یاری رساند:

در بُعد اول، دانش سکه شناسی می تواند بصورت کلی اسناد موثقی را در زمینه تحولات مختلف تاریخ تشیع در ایران از قرن دوم تا دهم هجری در اختیار پژوهشگران قرار دهد؛ بعنوان مثال سکه های آل بویه و سربداران به خوبی سیاستهای مذهبی این حکومتهای شیعی را تبیین می کند زیرا نشان می دهد این حکومتگران به سبب شرایط و اوضاع زمانه و همچنین مصالح سیاسی و اجتماعی خویش مجبور به ضرب سکه هایی با ضابطه غیر شیعی شده اند. از دیگر مظاهر این بُعد از کاربرد سکه شناسی در تاریخ تشیع سکه های آل مسافر است که نشانگر اعتقاد آنان به تشیع اسماعیلی قرمطی است و نوع مذهب شیعی این حکومتگران شیعه را مشخص می نماید. سکه شناسی همچنین در بازتاب تحول مذهبی در ایران (از تسنن به تشیع) نیز کاربرد دارد که نمونه مشخص آن برخی سکه های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو است زیرا برخی از سکه های این حکومتگران دارای شعائر اهل سنت و تشیع، بطور مشترک، است. این امر نشانگر رواج تسنن دوازده امامی در ایران این دوران است که در نهایت منجر به رسمیت تشیع در دوران صفویه گردید. از دیگر کاربردهای دانش سکه شناسی که اسناد موثقی را در زمینه تاریخ تشیع در ایران در اختیار پژوهشگران می گذارد، «تعیین زمان گرایش حکومتگران به تشیع» است. نمونه مشخص این مورد سکه های باوندیان است. بررسی مسکوکات این سلسله نشان می دهد باوندیان، که در آغاز زرتشتی بودند، هنگامی که در اواخر دوران گیوسی (در اواسط قرن چهارم هجری) مسلمان شدند، در فاصله ای صد ساله (از اواسط قرن سوم تا اواسط قرن چهارم هجری) به تشیع گرویدند و تعلقات شیعی خود را بر سکه هایشان به نمایش گذاردند.

در بُعد دوم می توان با استفاده از یافته های دانش سکه شناسی روایتی جدید یا خوانشی دیگرگون از برخی تحولات تاریخ تشیع در ایران ارائه نمود؛ از جمله مصادیق این امر همسانی شعار سکه های ابومسلم خراسانی و عبدالله بن معاویه است که بر این اساس می توان این نظریه را مطرح نمود که ابومسلم با اقتباس شعارهای سکه های عبدالله، میراث او را صاحب گشته و نسبت به گسترش دعوت عباسی در جبال اقدام نموده است. سکه های ولایتعهدی امام رضا (ع) از دیگر مظاهر این امر است زیرا بر مبنای تاریخ ضرب برخی از این سکه ها می توان

نظراتی جدید در مورد زندگانی امام رضا(ع) مطرح نمود. (نظیر تشکیک در سال مشهور وفات امام(ع) و یا آشکار کردن نقش مأمون در قتل امام(ع)) نمونه دیگر برخی سکه های ترکمانان آق قویونلو است که بر مبنای شعائر شیعی اینگونه سکه ها می توان نظریه غالب مبنی بر تسنن آق قویونلوها را زیر سؤال برده و نظری جدید مبنی بر وجود تمایلات شیعی در این حکومتگران مطرح نمود.

### فهرست منابع

ابن اثیر، علی بن محمد، 1371، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: علمی.

ابن بطوطه، محمد بن عبد الله، 1376، رحله ابن بطوطه، تهران: آگه.

ابوالفرج اصفهانی، بی تا، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، بیروت: دارالمعرفه.

امامی، محمدجعفر، 1385، شأن نزول آیات قرآن، قم: مدرسه امام علی(ع).

امین عاملی، سید محسن، 1376، سیره معصومان، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران: سروش.

بازورث، کلیفورد ادموند، 1381، سلسله های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: مرکز باز شناسی اسلام و ایران.

پطروشفسکی، 1363، ایللیا پولویچ، اسلام در ایران از هجرت تا پایان قرن نهم هجری، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.

ترابی طباطبائی، سید جمال، 1384، تاریخ تبریز به روایت سکه و ضمام، تبریز: ناشر مولف.

-----، 1351، رسم الخط ایغوری و سیری در سکه شناسی، نشریه شماره 6 موزه آذربایجان، تبریز.

-----، 2535، سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، نشریه شماره 7 موزه آذربایجان، تبریز: انتشارات اداره کل موزه ها.

-----، 1350، سکه های شاهان اسلامی ایران، نشریه شماره 5 موزه آذربایجان.

جعفریان، رسول، 1388، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: علم.

-----، 1390، حیات فکری-سیاسی امامان شیعه، تهران: علم.

چلونگر، محمد علی و سیدمسعود شاهمرادی، 1395، دولتهای شیعی در تاریخ، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حقیقت(رفیع)، عبدالرفیع، 1356، «پریم یا فریم، پایتخت کوهستانی آل قارن و آل باوند(2 و 1)»، گوهر، شماره 52، ص 295-297 و شماره 53، ص 368-371.

خضری، سیداحمدرضا و عباس احمدوند، پاییز 1384، «جایگاه و اهمیت سکه در دعوت عباسی»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، سال بیستم، پیاپی 77، ص 45-65.

- خنجی، فضل الله، 1382، تاریخ عالم آرای امینی، تهران: میراث مکتوب.
- خواندمیر، غیاث الدین، 1380، تاریخ حبیب السیر، تهران: خیام.
- دفتری، فرهاد، 1376، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- دینوری، احمد بن داود، بی تا، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ریاح، اسحاق محمد، 2008 م.، تطور النقود الاسلامیه حتی نهاییه عهد الخلفه العباسیه، عمان: دارکنوز المعرفه.
- رضائی باغ بییدی، حسن، 1393، سکه های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، تهران: سمت.
- رمضان، عاطف منصور محمد، 2008 م.، النقود الاسلامیه و اهمیتها فی دراسه التاریخ و الآثار و الحضاره الاسلامیه، قاهره: زهراء الشرق.
- رویمر، هانس روبرت، 1385، ایران در راه عصر جدید: تاریخ ایران از 1350 تا 1750، ترجمه آذر آهنچی، تهران: دانشگاه تهران.
- سجادی، صادق، بی تا، «آل باوند» در دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج1، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- سرفراز، علی اکبر و فریدون آورزمانی، 1389، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.
- سهیلی خوانساری، احمد، 1354، «سکه ولایتعهدی امام رضا (ع)»، گوهر، سال سوم، شماره یکم، ص78-79.
- شاهمرادی، سیدمسعود و اصغر منتظرالقائم، 1395، تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تشیع در آذربایجان (از آغاز تا طلوع دولت صفوی)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شترن، س.م.، مهر 1345، نخستین داعیان اسماعیلی در شمال غربی ایران و خراسان و ماوراء النهر، ترجمه فریدون بدره ای، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهاردهم، شماره 1 (پیاپی 53)، ص23-69.
- شریعت زاده، سیدعلی اصغر، 1393، سکه های ایران زمین: مجموعه سکه های موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، تهران: پایزیه.
- صابری، حسین، 1384، تاریخ فرق اسلامی، ج2: فرق شیعی و فرقه های منسوب به شیعه، تهران: سمت.
- طبرسی، فضل بن حسن، 1390، زندگانی چهارده معصوم (ع)، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران: اسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر، 1375، تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- طغوش، محمد سهیل، 1386، دولت امویان، ترجمه حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- علاءالدینی، بهرام، 1394، سکه های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان، تهران: فرهنگسرای میردشتی.

- کسروی، احمد، بی تا، شهریاران گمنام، تهران: بی تا.
- ، 1311، «سکه یا سند تاریخی مهم»، ارمان، شماره چهارم، سال سیزدهم، ص 225-228.
- ماسون اسمیت، جان، 1361، خروج و عروج سرداران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مرکز فرهنگی علامه طباطبایی.
- مستوفی، حمد الله، بی تا، نزهه القلوب، بی تا، بی تا.
- مسعودی، علی بن حسین، 1374، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- معطوفی، اسدالله، 1392، سکه های طبرستان، گرگان و استرآباد، تهران: پازینه.
- ملکزاده بیانی، 1354، «سکه های حضرت ثامن الائمه آلا فی التحیه و ثنا»، معارف اسلامی، شماره 21، ص 39-54.
- میرجعفری، حسین، 1384، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، اصفهان: دانشگاه اصفهان و تهران: سمت.
- وثیق، منصوره، آبان و آذر 1386، «تشیع در ایران به روایت سکه های تاریخی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره 114 و 115، ص 90-97.
- ، 1387، دنانیر، سیر دینار در تاریخ پولی ایران، تبریز: ستوده.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، 1371، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

## Sources

- Abu al-Faraj Isfahani, Ali ibn Husayn, *Maqātil at-Ṭālibīyīn*, translated by Javad Fazel, Tehran: Elmi, 1339.
- Alaedini, Bahram. *Persian Coins: From Taherids to Khwarazmshahids*, Tehran: Farhangsarayemirdashti, 1394.
- Amin Ameli, Seyyed Mohsen, *Sirah of masuman*, translated by Ali Hojjati kermani, Tehran: soroush, 1376.
- Bosworth, Clifford Edmund, *The New Islamic Dynasties; A Chronological and Genealogical Handbook*, translated by Fereydun badreii, Tehran: Markaz e baz shenasi islam and iran, 1381.

- Chelongar, Mohammad Ali & Seyyed Masoud Shahmoradi. *Shiite Governments in History*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy, 1395.
- Daftary, Farhad. *The Ismai'lis: their history and doctrines*. translated by Fereyduun badreii. Tehran: nashr va pazhuhesh e farzan e ruz, 1376.
- Ebn Athir, Ali ibn Mohammad. *al-Kāmil fit-Tārīkh*. translated by Abulgasem halat & Abbas khalili. Tehran:Elmi, 1371.
- Ebn Batuteh, Mohammad ebn Abdollah. *Rihlat ibn Baṭūṭah*. Tehran: Agah, 1376.
- Emami, Mohammad Jafar. *Shaane nozule ayate ghoran*. Qom: Imam Ali school, 1385.
- Haghighat (rafi), Abdulrafi. "Prim or Frim Mountainous capital of Alegharen and Alebavand (1&2)". *Gohar*, 1356, no: 52, pp. 295-297 & no53, pp. 368-371.
- Jaafarian, Rasul. *Intellectual - Political life of Shiite Imams*. Tehran: elm, 1390.
- Jaafarian, Rasul. *The history of shiism in Iran from the beginning to the establishment of the Safavid rule*. Tehran: elm, 1388.
- Kasravi, Ahmad. "Coin or an important historical document", *Armagan*, 1311, no. 4, pp. 225-228.
- Kasravi, Ahmad. *The forgotten rulers*. Tehran: Negah, 1385.
- Khandmir, Ghiasoddin. *Tarikh e Habiboseyr*. Tehran: Khayyam, 1380.
- Khezri, Seyyed Ahmad Reza & Abbas Ahmadvand. "The Position and Importance of the Coin in Abbasi's Invitation". *Tarikh e Islam and Iran*, 1384, no: 77, pp. 45-65.
- Khunji, Fadlullah. *Tarikh-i-Alam-Ara-yi-Amīni*. Tehran: Miras e maktub, 1382.
- Malekzadeh Bayani. "Coins of Hazrat e samenolaemeh". *Maaref e Islami*, 1354, no. 21, pp. 39-54.
- Masudi, Ali ebn Hoseyn. *Muruj al -zahab wa-maadin al-jawhar*. translated by Abulgasim Payandeh. Tehran: Elmi wa Farhangi, 1374.



- Matufi, Asadollah. *Coins Tabarestan, Gorgan & Esterabad*. Tehran: Pazineh, 1392.
- Mirja'fari, Hosein. *History of the Political, Social, Economic and Cultural Changes in Iran During the Timurid and Turkman periods*. Esfahan: University of Esfahan & Tehran: Samt, 1384.
- Mosonsmith, John. *The History of the Sarbadar Dynasty*. translated by Yaghub Azhand. Tehran: Allame Tabatabai Cultural Center, 1361.
- Mustawfi, Hamd –Allah. *Nuzhat -al-qulub*. Tehran, n.d.
- Petrushcvskii, Ilgyapavlovich. *Islam in Iran in the VII — XV centuries*. translated by Karim Keshavarz. Tehran: Payam, 1363.
- Ramezan, Atif Mansur Mohammad. *Islamic coins and its importance in the study of history archeology and Islamic civilization*. Cairo: Zahraoshargh, 2008.
- Rezai Baghbidi, Hassan. *The Islamic Coins of Iran: From the Beginning to the Rise of the Seljuqs*. Tehran: Samt, 1393.
- Ribah, Ishak Mohammad. *The development of Islamic coins until the end of the Abbasid caliphate era*. Amman: Dar knuz almarafa, 2008.
- Roemer, Hans Robert. *Persian auf dem Weg in die Neuzeit: Iranische Geschichte von 1350 - 1750*. translated by Azar Ahanchi, Tehran: Tehran University, 1385.
- Saberi, Hoseyn. *A history of the Islamic Seats*, Vol. II, Tehran: Samt, 1384.
- Sajjadi, Sadigh, Al e Bavand, *Encyclopaedia Islamica*, Vol. I, under the supervision of Kazem Mousavi-Bojnourdi, Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia, 1374.
- Sarfaz, Aliakbar & Fereidoun Avarzamani. *Iranian coins from the early beginning to Zand dynasty*. Tehran: Samt, 1389.
- Shahmoradi, Seyyed Masoud & Asghar Montazeri Algaeem. *Political, cultural and social history of shiism in azerbaijan (from the beginning to the establshment of the safavid rule)*. Qom, Research Institute of Hawzah and University, 1395.
- Shariatzadeh, Seyyed Aliasgar. *Coins of Iran*. Malek Library and Museum Coin Collection, Tehran: Pazineh, 1393.

- 
- Soheyli Khansari, Ahmad. *Sekke Valiahdi emam reza*, 1354, Gohar, no.1, pp.78-79.
- Stern, S.M. *The first Ismaili Da'is in northwestern Iran and Khorasan and Transoxiana*. translated by Fereydun badreii, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, 1345, No.53, pp. 23-69.
- Tabarasi, Fazl ebn Hasan, *Biography of Fourteen Innocents*, translated by Azizollah Atarodi, Tehran: Eslamiyyeh, 1390.
- Tabari, Mouhamad ebn Jarir. *Tarikh Tabari (Tarikh alomam wa'lmuluk)*. translated by Abulgasim Payandeh. Tehran: Asatir, 1375.
- Taqqush, Mohammad Soheil. *The Umayyad State*. translated by Hojjatollah judaki, Qom, Research Institute of Hawzah and University, 1386.
- Torabi Tabatabaai, Seyyed Jamal. "Aq qoyunlu coins And the basis of Safavid government unity in Iran". *Azerbaijan Museum Journal*, no: 7, Tabriz: Museums Management Publications, 2535.
- Torabi Tabatabaai, Seyyed Jamal. "Rasmol khatte oyguri And satiety in coinology". *Azerbaijan Museum Journal*, no: 6, Tabriz, 1351.
- Torabi Tabatabaai, Seyyed Jamal. *Tabriz history according to coine and appendix*. Tabriz: Author, 1384.
- Torabi Tabatabaai, Seyyed Jamal. "Coins of Islamic Kings of Iran". *Azerbaijan Museum Journal*, no: 5, 1350.
- Vasigh, Mansureh. *Shiism in Iran as narrated by historical coins*. Ketab e mahe Tarikh wa Joghrafiya, 1386, no. 114-115, pp. 90-97.
- Vasigh, Mansureh. *Dananir: The course of the dinar in the monetary history of Iran*. Tabriz: Sotudeh, 1387.
- Yaghubi, Ahmad ebn Eshak. *Tarikh e Yaghubi*. translated by Mohammad Ebrahim Ayati, Tehran: Elmi wa Farhangi, 1371.